

غرور عقل



احمد غلامی

فهم تراژدی جهان مدرن دیگر کار دشواری نیست؛ چراکه در جای جای جهانی که دایهیه خرد و روشنگری دارد، جنگ شعله‌ور است و کشورها در وضعیت «صلح مسلحانه» به سر می‌برند. کارل فون کلازوتیس در کتاب «در باب جنگ» که از درخشان‌ترین آثار درباره جنگ است، به این نکته اشاره دارد که جنگ ابزاری برای تحمیل اراده یک طرف بر طرف دیگر است. اینک چنین تعبیری از جنگ برای ایرانیانی که در آستانه جنگ هستند، بسیار ملموس است. بدیهی است در مورد کشوری همچون ایران که در گروه قدرت‌های جهانی نیست، بین مردم تقاضای جدی برای جنگ وجود نداشته باشد. اما تمایل مردم یک سویه ماجرا است و سویه دیگر آن همان تعریف کلازوتیس در باب جنگ است که کشور قوی درصد است تا اراده خود را برای تأمین منافعش به کشورها تحمیل کند. از این منظر، دونالد ترامپ یکی از نادرترین رؤسای جمهور آمریکاست که با صراحت اعلام می‌کند خواست و اراده‌اش را با هر وسیله‌ای برای دستیابی به منافعش دنبال خواهد کرد. رنه ژرار، متفکر فرانسوی که مینکر ایده «تعارض تقلیدی» (Mimic Conflict) است، او باور دارد که در وضعیت جنگی، طرفین از رفتار یکدیگر تأثیر پذیرفته و واکنش مقابل‌شان باعث تشدید نزاع خواهد شد.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

اقتصاد دیجیتال ایران

رگولاتور در مسیر خلاف جهت



سیدمصطفی افزونی

رئیس هیئت‌مدیره‌طالین

داستان قدیمی است؛ رادیو می‌گوید: «راندگان عزیز، مراقب باشید؛ خودرویی در اتوبان خلاف جهت حرکت می‌کند» و راننده خودروی سفید به اطراف نگاه می‌کند و می‌گوید: «یکی، دو تا هم نیستند که!». حکایت تنظیم‌گری اقتصاد دیجیتال ایران همین است. کسب‌وکارها شکل می‌گیرند، مشتری پیدا می‌کنند، سرمایه جذب می‌کنند و نیاز واقعی بازار را پاسخ می‌دهند. بعد نهادهای ناظر با تفسیرهای متفاوت از قانون، ادعای صلاحیت و فهرست الزامات وارد می‌شوند. در نهایت، به‌جای آنکه کسی درباره کیفیت مسیر تنظیم‌گری پاسخ‌گو باشد، این کسب‌وکارها هستند که متهم می‌شوند چرا در مسیری که نهاد ناظر می‌پسندد، حرکت نمی‌کنند. سؤال ساده است: اگر در یک حوزه، ده‌ها کسب‌وکار مستقل به راه‌حل‌های مشابهی رسیدند، آیا واقعا همه اشتباه می‌کنند؟ یا باید احتمال بدهیم که این بار راننده خودروی سفید خلاف جهت می‌رود؟

تنظیم‌گری با کنترل همه چیز؟

وظیفه رگولاتور، کنترل همه چیز نیست. قرار نیست پیش از هر تصمیم اقتصادی یا هر تغییر در مدل کسب‌وکار، مهر تأیید دولت روی آن خورده باشد. وظیفه تنظیم‌گر، تعیین قواعد بازی، حفاظت از حقوق مردم، مقابله با تخلف و تضمین رقابت منصفانه است. اما در بخش‌هایی از اقتصاد دیجیتال، تنظیم‌گری عملا به محدودسازی، مجوزدهی و مداخله در جزئیات تبدیل شده است. به جای آنکه از نهاد ناظر پیرسیم چه میزان تخلف شناسایی کرده و چقدر رقابت را بهبود داده، گاهی موفقیتش را با تعداد مقررات، سامانه‌ها و گستردگی کنترل‌هایش می‌سنجیم. این منطق خطرناک است. تعداد مقررات، شاخص کیفیت حکمرانی نیست؛ همان‌طورکه تعداد ایست‌های بازرسی، به‌تنهایی نشانه امنیت بیشتر نیست.

چرخه فرسایشی برخورد با نوآوری

الگوی آشنا بارها تکرار شده: نیازی در بازار شکل می‌گیرد، کارآفرینان راه‌حل می‌سازند، مردم استقبال می‌کنند، بعد نهادها بر سر حدود اختیارات اختلاف پیدا می‌کنند. مقررات با تأخیر، تعارض یا درک ناقص از مدل کسب‌وکار می‌رسند و سپس الزام‌های تازه، سامانه‌های جدید و محدودیت‌های بیشتر از راه می‌رسند. این چرخه در طلای آنلاین، رمزارز، فین‌تک و لندتک

دیده می‌شود و قبلا در تاکسی اینترنتی و فروشگاه‌های اینترنتی و پلتفرمی هم تجربه شده است.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵
۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۷ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۰۲
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



در «شرق» امروز می‌خوانید:

از تهدید چهره‌های سیاسی تا زنگ خطر رادیکالیسم خودسرانه؛ وقتی اختلاف سیاسی به مجوز حذف فیزیکی تبدیل می‌شود

مخالف‌کشی

روایت زندگی پیروز مجتهدزاده؛ پژوهشگری که نیم قرن از مرزهای ایران گفت و نوشت

مرزدار قلم



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

یک ایران، رؤیاهای بسیار



سینار حیم‌پور

روزنامه‌نگار

تمام شده باشد؛ دوام تفاهم به توان مدیریت همین رقابت بستگی دارد. در سیاست داخلی اما نمی‌توان همان منطق رابطه دو قدرت رقیب را به رابطه ایرانیان با یکدیگر تعمیم داد. اینجا به شهروندان یک کشور، حقوق مشترک و آینده‌ای به‌هم‌پیوسته مواجه هستیم. اختلاف سیاسی واقعی است، اما تبدیل آن به مرزبندی میان «ایرانی» و «ایرانی‌تر»، بنیان همبستگی را تخریب می‌کند. اگر در سیاست خارجی می‌توان با وجود دو رؤیا به توافق رسید، در داخل باید پذیرفت که ایران رؤیای مشترک همه ایرانیان است. همبستگی ملی زمانی پایدار می‌شود که رؤیاهای تمام شهروندانش

یادداشت

کسی برای خاندان سعودی نمی‌میرد



مهرداد احمدی شیخانی

نمی‌دانم یادتان هست سال ۱۳۶۶ در ایام جنگ هشت‌ساله با عراق، ۲۷۵ نفر از زائران ایرانی در ایام حج، با حمله پلیس سعودی کشته شدند و برای چندین سال سفر حجاج به مکه تعلیق شد؟ یکی از مهم‌ترین فرازهای سخنان امام خمینی (ره) درباره آن واقعه جنایت‌بار، موضوع نام کشور عربستان بود. حضرت امام در این مورد گفتند یعنی چه نام سرزمینی که «حجاز» بوده، به یک خانواده نسبت داده‌اند و می‌گویند «عربستان سعودی»؟ (نقل به مضمون). به گمان این نکته بسیار مهمی بود؛ سوآلی مهم که یافتن جوابش بیشتر از آنکه برای کشورهای مسلمان و حتی کشورهای جهان مهم باشد، لازم بود برای خود مردم عربستان و حتی حاکمان آن مهم باشد که نبود و بی‌اهمیت‌دانستن آن، به وقت ضرورت، دامان‌شان را گرفت و حتی اگر بگوییم مردم آنجا به کنار، ولی احتمالا فهم این اهمیت برای حاکمان عربستان یا همان‌طورکه امام اشاره کرده بود حجاز، چندان قابل درک نبود؛ اهمیتی که امروز می‌توان درک بهتری از آن داشت. جایی قبلا در یادداشتی با عنوان «شرکت سهامی، با مسئولیت محدود» به این اشاره کرده بودم که پس از جنگ جهانی اول و با فروپاشی دولت عثمانی و با در دست گرفتن مداد و خط‌کش، در توافق‌نامه ساکس-پیکو، یک‌شبه روی نقشه جغرافیا کشورهای زاده شدند؛ کشورهایی بدون ملت و فقط دارای دولت و عده‌ای اقوام چادرنشین بیابانگرد که بر روی شنزارها، از این سو به آن سو می‌رفتند و برای دستیابی به ضروریات زنده‌ماندن و نه زندگی، با یکدیگر در جنگ و جدال بودند. برای همین، بیش از آنکه در آن شنزارها چیزی به نام ملت و کشور وجود داشته باشد یا حتی دولت، شاهد تأسیس تعدادی «شرکت سهامی» بودیم؛ شرکت‌های سهامی خانوادگی که چاه‌های نفتی را که یک به یک کشف می‌شدند، در اختیار می‌گرفتند و چون نه ملتی داشتند و نه دانشی برای بهره‌بردن از این منابع ثروت، کشف و استخراج، طبیعتا منافع آن را به دیگران سپردند و صاحبان این شرکت‌های سهامی نیز به‌راهی از این منابع بردند و چیزکی نیز به مردمان بیابانگردی که نه کشوری داشتند و نه ملت بودند، رساندند. و شد آنچه امروز می‌بینیم؛ آسمان خراش‌های شیشه‌ای نباشده بر روی شن. اما ادامه ماجرا اینکه در همه این سال‌ها، بسیاری را می‌دیدم که پس از سفر به این سرزمین‌ها، حیرت‌زده از آسمان خراش‌ها و اتوبان‌ها تعریف و تمجید می‌کردند و برای من بسیار جای سؤال بود که چطور می‌توان سنگ، آهن و شیشه را به معنای کشور، ملت

رهبر انقلاب:

مسئولان حوزه سلامت به جامعه پرستاری توجه ویژه داشته باشند

۲

برگزیده‌ها

بزشکیان در سفر به ارمنستان، جنگ را «نسل‌کشی زیست‌محیطی» خواند

دیپلماسی سبز ایران در قفقاز

۲

گزارش «شرق» از روند نزولی ارانه خدمات رفاهی در دانشگاه‌ها و روایت دانشجویان از تأثیر این مسئله بر آنها

زیست دانشجویی زیر بار گرانی

۱۰

بررسی «شرق» از اظهارات دبیر شورا و رئیس مرکز ملی فضای مجازی به بهانه اولین نشست خبری‌اش بعد از ۴ سال

مرد پشت درهای بسته محدودیت اینترنت

۸

پیامدهای حادثه انبار نفت شهران ادامه دارد

نفت زیر پای شهران ماند

۹

گزارش «شرق» از مجموعه پل‌ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی در شرق اصفهان

سه کیلومتر برای عبور از یک گره قدیمی

۱۰

یادداشت

خاتمی علیه رویو!



امیرثامنی

در سال ۱۹۹۸، سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، ایده‌ای را مطرح کرد که می‌توانستت افق تازه‌ای فراروی نظم جهانی پساانگ سرد بگشاید؛ آن هم در زمانه‌ای که نظریه «برخورد تمدن‌های» ساموئل هانتینگتون و ایده «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما، با تأکید بر پیروزی لیبرال‌دموکراسی غرب، دو روایت اثرگذار از آینده محتوم جهان به شمار می‌رفتند. ابتکار «گفت‌وگویی تمدن‌ها» تلاشی برای عبور از منطق تقابل و بازاندیشی در ریشه‌های خصومت و بلوک‌بندی‌های نوظهور قدرت در جهان بود. این ایده با استقبال سازمان ملل متحد همراه شد و سال ۲۰۰۱ به‌عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نام‌گذاری شده؛ باین‌حال، در داخل ایران هرگز چنان‌که شایسته ظرفیت تاریخی و جهانی آن بود، جدی گرفته نشد و به راهبردی پایدار در سیاست خارجی و فهم جایگاه ایران در جهان تبدیل نشد. امروز، سخنان رویبو در آتن بیش از پیش دوراندیشی طراحان آن ابتکار را آشکار می‌سازد؛ ایده‌ای که اهمیت آن را نه در آرمان‌گرایی صرف، بلکه در تشخیص زودهنگام خطری باید جست‌وجو کرد که اکنون بار دیگر در قالب بازسازی مرزهای تمدنی و احیای منطق تقابل، خود را نشان می‌دهد. سخنان اخیر مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا، در آتن و اراجاع او به جنگ‌های ایران و یونان باستان برای توجیه ضرورت تقویت تمدن غرب در برابر مخاطرات کنونی و آتی، بار دیگر این پرسش را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که آیا جهان امروز صرفا مدیون تمدن غرب و دستاوردهای مادی آن در دو، سه قرن اخیر است یا باید جهان امروز را حاصل انباشت تجربه بشری در طول اعصار و ادوار مختلف و هم‌آفرینی تمدن‌های مختلف دانست؟ رویبو با بازخوانی روایت‌رویی ایران و یونان در روزگار خشایارشا و تأکید بر ویرانی آتن، به‌عنوان یکی از خاستگاه‌های تمدن غرب، به دست سپاهیان امپراتوری ایران، می‌کشد با فراخوانی «درس‌های تاریخ»، ضرورت اتحاد و انسجام مجدد تمدن غرب به رهبری

آمریکا قدرتمند در برابر مخاطرات پیش‌رو، به‌ویژه ایران به‌عنوان نماد تقابل با غرب را برجسته کند.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید